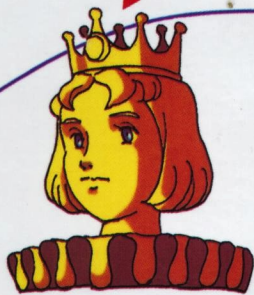
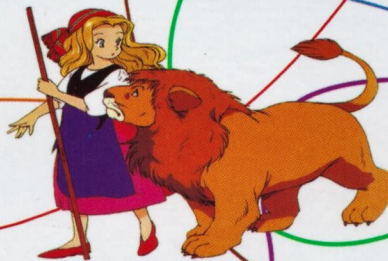


قصه‌های شیرین جهان



شاهزاده‌ی خوشبخت

سفرهای گالیور

لاسی، سگ وفادار

پرنده‌ی آبی

سارا کورو

خانه‌ی شکلاتی

جوجه اردک زشت

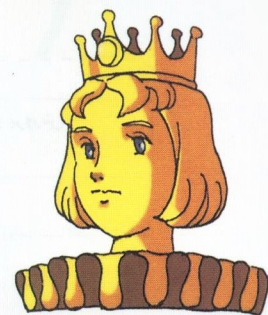
روباہ بازیگوش

ماریا و شاهزاده شیر

گربه‌ی چکمه‌پوش

معرفی‌نشده

در کتابخانه‌ی ما رشد
آموزش و پرورش



روزی، روزگاری در زمان‌های قدیم، شهری بود زیبا و قشنگ. در یکی از خیابان‌های این شهر، ستون سنگی بلندی قرار داشت. بالای این ستون، مجسمه‌ی زیبایی از شاهزاده‌ی شهر گذاشته بودند. مجسمه با ورق‌های طلا پوشیده شده بود. به جای چشم‌هایش، دو تکه فیروزه می‌درخشید و روی دسته‌ی شمشیرش، یاقوت بسیار زیبایی دیده می‌شد. مجسمه بسیار زیبا و دیدنی بود. همیشه چند نفری اطراف مجسمه ایستاده بودند و آن را تماشا می‌کردند. مردم عقیده داشتند که او خوشبخت‌ترین شاهزاده‌ی دنیاست.